

فصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره دوازدهم، بهار ۱۳۸۸: ۱۹-۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۰۲/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۱۰/۲۳

## تردید در نام نویسنده‌ی رشف الالحاظ و بررسی تصحیح آن

مریم شعبانزاده\*

### چکیده

یکی از کتب مهم در زمینه‌ی شرح اصطلاحات رمزی و استعاره‌ی صوفیان، کتاب رشف الالحاظ فی کشف الالفاظ تالیف شرف الدین حسین بن الفتی تبریزی، تصحیح استاد نجیب مایل هروی است. محتوای این کتاب که مشتمل بر شرح ۳۰۰ اصطلاح عرفانی است، به دو نویسنده‌ی دیگر هم منسوب است. یکی در ضمیمه‌ی دیوان فخرالدین عراقی، تصحیح سعید نفیسی با نام من اصطلاحات فخرالدین عراقی آمده است و دیگری با نام کتاب لغات و اصطلاحات عرفا به عزیز نسفی منسوب است.

شبهات فراوان مطالب این سه کتاب، چه در تقسیم‌بندی مطالب و چه در مدخل‌ها و معانی ذکر شده، اندیشه را به یکی بودن سه کتاب سوق می‌دهد. گویا یک نسخه اصل بوده و نسخه‌های دیگر با کمی تغییر در مقدمه یا تحریف و تصحیف لغات نوشته شده است. لذا در صحت انتساب کتاب به نویسندگان فوق تردید است. به هر ترتیب تا یافتن نسخه‌های منقح و رفع شبهه با شواهد و براهین کافی، نمی‌توان در خصوص نام مؤلف این کتاب حکم قطعی صادر کرد. همچنین توجه به مندرجات دو کتاب دیگر در کنار نسخه‌های اساس، می‌تواند امکان تصحیح دقیق‌تری از کتاب رشف الالحاظ فراهم کند.

**واژگان کلیدی:** تصحیح متن، رشف الالحاظ فی کشف الالفاظ، حسین بن الفتی تبریزی، عراقی، عزیز نسفی.

## مقدمه

رشف الالفاظ فی کشف الالفاظ تألیف شرف الدین حسین بن الفتی تبریزی (متوفی در قرن هشتم) از رجال معروف آن سده می‌باشد. سال فوت او مشخص نیست ولی در سال‌های ۷۳۰، ۷۳۴ و ۷۶۱ هجری در مکه، مصر، قدس و عراق به سر می‌برده است (الفتی تبریزی، ۱۳۶۲: ۲۷).

در این کتاب کوچک ۳۰۰ اصطلاح عرفانی و رمزی چون زلف، رخ، تابستان و... به اختصار شرح شده است. حجم این فرهنگ مختصر است و اصطلاحات معمولاً در حدود یک سطر یا اندکی بیشتر شرح شده‌اند. اصطلاحاتی که شرح آنها بیش از دو سطر باشد، محدود و شامل این موارد است: «میل، طالب، اشتیاق، شوق، خانه، ترکناز، یار، جانان، خم زلف، چشم خمار، شراب، تجلی، کافر، غواصی، دریا، ترانه، چشم نرگس، چشم ترک، پاک بازی، شست و شوی». شرح بقیه‌ی اصطلاحات کمتر از دو سطر است. مانند: «گلزار، بستان، سرو، سبزه، چلیپا، شب یلدا،...» با وجود اختصار، تعداد زیادی از اصطلاحات رمزی و استعاره‌ی صوفیه در این کتاب آمده که در نوع خود کم نظیر است.

نسخه دیگری از این کتاب به نام من اصطلاحات فخرالدین عراقی ضمیمه‌ی دیوان فخرالدین عراقی است که سعید نفیسی آن را تصحیح کرده است. همین کتاب در جای دیگر به عزیز الدین نسفی عارف بزرگ قرن هفتم منسوب شده است<sup>(۱)</sup>. اما جز دکتر میرباقری که نسخه اخیر را معرفی کرده است، هیچ کدام از مصححان آن دو کتاب، در خصوص نام مولف تردید نکرده‌اند. نجیب مایل هروی، مصحح رشف الالفاظ به مجموعه‌ی اخیر اشاره نکرده، اما با استناد به گفته نویسندگان ایضاح المکنون و فهرست نسخه‌های خطی و فهرست میکرو فیلم‌ها نوشته است: «نسخه‌هایی دیده شده که به رشف الالفاظ می‌ماند و به عراقی و شبستری و سهروردی نسبت داده شده است.» (الفتی تبریزی، ۱۳۶۲: ۲۶). ایشان بدون ارائه‌ی دلیلی بر رد انتساب کتاب به عراقی یا دیگران، کتاب را از آن شرف الدین حسین تبریزی دانسته است. مرحوم سعید نفیسی نیز در صحت انتساب اصطلاحات به عراقی تردید روا نداشته و در خصوص نام مولف، چیزی ننوشته است؛ ولی میرباقری که نسخه‌ی منسوب به نسفی را معرفی کرده، آن را از عزیز نسفی نمی‌داند. وی در خصوص نام مؤلف سکوت اختیار کرده، ولی تاریخ تألیف نسخه را پس از نسفی می‌داند. نظر به این که بسیاری از فهرست‌نویسان تا زمان

انتشار تصحیح رشف الالحاظ به این نسخه اشاره نکرده‌اند، عدم توجه مصحح محترم، به این نسخه قابل قبول به نظر می‌رسد. اما با توجه به این که رشف الالحاظ سال‌ها بعد از دیوان عراقی انتشار یافته است، شایسته‌تر بود که مصحح دانشمند آن به اصطلاحات ضمیمه‌ی دیوان عراقی که از لحاظ محتوا کاملاً مشابه رشف الالحاظ است، اشاره‌ای می‌کرد و به ذکر نقل قول از چند فهرست اکتفا نمی‌نمود و پس از اثبات مردود بودن انتساب به عراقی و دیگران، دست کم پس از تردید در نام نویسنده، آن نسخه را در شمار نسخه بدل‌ها قرار می‌داد و برای تصحیح واژگان تصحیف شده از آن بهره می‌گرفت.

رشف الالحاظ یا رساله‌ی منسوب به عراقی یا عزیز نسفی، در حقیقت رساله‌ای مبتنی بر شرح اصطلاحات در حوزه‌ی عشق است. در این کتاب از اصطلاحات معمول و رسمی صوفیه که معمولاً در کتب صوفیان مندرج است؛ نظیر مفهوم حال و مقام، تلوین، تکوین، طوابع، و... خبری نیست. مبنای طرح اصطلاحات بر روابط بین عاشق و معشوق و آنچه در عالم آنها وجود دارد، واقع شده است که قبل از این کتاب در *گلشن راز* شبستری و *اوراد الاحباب* باخرزی شرح شده بود (باخرزی، ۱۳۵۸: ۲۴۴).

در این کتاب اصطلاحات و رمزهای تازه‌ای چون تابستان، زمستان، گلزار، فروختن، بیابان، چلیپا، میدان، چوگان، قطار، شتر، عید، شب یلدا و...، اسامی گل‌ها و رنگ‌ها مانند لاله، نرگس، زردی، سرخی، و... وجود دارد که در کتب قبل از آن مثل *گلشن راز* شبستری (متوفی ۷۲۰ هـ.ق) نیامده است. برخی از این اصطلاحات حتی در *اوراد الاحباب* باخرزی (متوفی ۷۳۵ هـ.ق) هم ذکر نشده است. اگر این رساله متعلق به عراقی (متوفی ۶۸۸ هـ.ق) یا عزیزالدین نسفی (متوفی قبل از ۷۰۰ هـ.ق) باشد، چون از اولین رساله‌های اصطلاحات استعاری و رمزی است، دایره‌ی واژگان آن می‌بایست محدودتر و شمار آنها کمتر باشد. لذا با توجه به تعداد فراوان اصطلاحات استعاری، به نظر می‌رسد که در سال‌های متأخر نوشته شده باشد و انتساب آن به شرف‌الدین حسین الفتی تبریزی قابل قبول‌تر است. اما از سوی دیگر، با توجه به آنکه بیشتر اصطلاحات مربوط به حوزه‌ی شعر را در بر می‌گیرد، انتساب آن به عراقی نیز بعید نیست. به این ترتیب تا تحقیق دقیق در خصوص نام مولف صورت نگیرد، نمی‌توان به طور جزم درباره‌ی صحت انتساب آن به الفتی تبریزی حکم کرد.

### تأملی بر تصحیح و شرح رشف الالفاظ

به رغم کوشش شایان توجه مصحح محترم برای تصحیح و شرح کتابی بسیار مفید و ارزنده برای استفاده‌ی پژوهشگران در زمینه‌ی تصحیح و تعلیق اصطلاحات عرفانی، نکاتی به ذهن اینجانب رسیده است که متذکر می‌گردد.

از فواید این تصحیح، تعلیقات مفیدی است که در پایان کتاب آمده است. شارح در شرح اصطلاحات، بیشتر بر کتاب *مرآت العشاق* تکیه کرده است که اگر چه موارد شباهت دیدگاه بین نویسندگان دو کتاب بسیار است، ولی کافی نمی‌نماید. استفاده از *کشف المحجوب و التصفیه فی احوال المتصوفه* با توجه به مشرب عرفانی-آموزشی هجویری و عبّادی برای شرح اصطلاحات این کتاب، (که تأویل اصطلاحات صوفیه است)، گزینش چندان دقیقی به نظر نمی‌رسد. گرچه هجویری برخی اصطلاحات را که به تعبیر او استعاری‌اند، ذکر کرده است. مانند: حق، حقیقت، خطرات، وطنات و ... (هجویری، ۱۳۸۳: ۵۵۹ و بعد). منابع دیگر شارح، لغت‌نامه‌های *برهان قاطع* و *آندراج* است که در این زمینه ناکارآمد هستند. استفاده از *التعریفات* جرجانی و *کشاف اصطلاحات الفنون* تهانوی در این زمینه مناسب‌تر است.

گرچه مصحح محترم این نکته را بیان کرده که مطالب کتاب به عراقی هم منسوب است، ولی برای مقابله و تصحیح موارد مشکوک یا برای شرح الفاظ، به آن کتاب مراجعه نکرده است.

وجود شباهت‌های فراوان میان مندرجات این سه رساله، می‌توانست مصحح را در تصحیح موارد مشکوک یاری کند. با مقایسه‌ی مدخل‌های مندرج در این سه رساله، ملاحظه می‌شود که در بیشتر موارد، شباهت‌ها چنان زیاد است که می‌توان گفت یک نسخه اصل بوده و نسخه‌های دیگر از روی آن نوشته شده است. بیشتر تفاوت‌ها مربوط به تصحیف یا بدخوانی کاتب یا دخالت ذوق و سلیقه‌ی شخصی او در تغییر مدخل‌های کتاب است.

گاهی یک معنی برای دو مدخل متفاوت (که ممکن است مترادف باشند)، وجود دارد. مثلاً در این سه رساله دو مدخل «محبت» و «دوستی» آنطور که در جدول ۱ آمده، چنین تعریف شده است:

جدول ۱: معانی مشابه برای مدخل‌های مترادف

دوستی محض را گویند با حق تعالی بی سبب و علاقه‌ای با خلق. (الفتی، ۱۳۶۲: ۴۰)	محبت
دوستی مخصوصه را گویند بی سببی و علاقه‌ای و حرکتی با حق تعالی. (میرباقری، ۱۳۸۲: ۶۱)	
دوستی را گویند، بی سبب و علاقه و بی حرکتی، با حق سبحانه و تعالی. (عراقی، ۱۳۳۸: ۴۱۰)	دوستی

ملاحظه می‌شود که تعاریف با اندک تفاوت، مشابه است. جز این که در اصطلاحات عراقی عنوان مدخل نیز تغییر کرده است. جدول ۲ شباهت‌ها را در باره‌ی دو اصطلاح دیگر نشان می‌دهد:

جدول ۲: معانی مشابه برای یک اصطلاح

صاحب دوستی محض را گویند خاص با حق، عامتر از آنکه طلب مقارن آن باشد یا نه. (الفتی، ۱۳۶۲: ۴۰)	محب
صاحب دوستی محض را گویند خاص با حق تعالی عام تر از آنکه طلب مقارن او باشد و حینئذ شاید که طلب نباشد. (میرباقری، ۱۳۸۲: ۶۲)	
صاحب محبت را گویند، وقتی که مستغنی از دوستی دانند، با حق تعالی، اعم از آنکه طلب مقارن آن باشد یا نه. حق را گویند، وقتی که مستغنی از دوستی دانند، او را بی قیدی* (عراقی، ۱۳۳۸: ۴۱۰)	
مطلق حق را گویند، وقتی که آن مطلوب مطلق را مستغنی از دوستی دانند بی هیچ قیدی. (الفتی، ۱۳۶۲: ۴۰)	محبوب
حق را گویند، اعم از آنکه دوست دارند یا نه، بلکه بیشتر از عبودیت و عبودیت باشد (عراقی، ۱۳۳۸: ۴۱۱)	
حق تعالی را گویند وقتی که مستغنی از دوستی باشد او را مطلقاً بی قید طلب (میرباقری، ۱۳۸۲: ۶۲)	

\* جمله «حق را گویند، وقتی که مستغنی از دوستی دانند، او را بی قیدی» که ذیل واژه‌ی محب و در ادامه‌ی معنی آن آمده است با مدخل اصلی بی‌ارتباط و به مدخل محبوب مرتبط است.

براساس جدول ۲، تعاریف دو اصطلاح «محب» و «محبوب» در سه کتاب از لحاظ مفهوم یکسان و تفاوت‌ها ناچیز است.

گاهی تفاوت در کتابت واژه، ناشی از کم سوادی کاتب است. نظیر آمدن معانی مشابه برای سه اصطلاح شدی و تندى و صفت که در جدول زیر ذکر شده است:

جدول ۳: ذکر یک معنی برای چند مدخل

تندی	صفت قهاری را گویند بر عاشق، چنانکه حکم الهی باشد نه بر مقتضایی (عراقی، ۱۳۳۸: ۴۱۳)
شدی	صفت قهاری را گویند بر عاشق، چنان که حکم الهی باشد نه بر مقتضی امر او (میرباقری، ۱۳۸۲: ۶۳)
صفت	قهاری را گویند بر عاشق، چنانکه واردات الهی باشد نه بر مقتضای رد و امر (الفتی، ۱۳۶۲: ۴۹)

مفهومی که برای دو مدخل «تندی» و «شدی» در دو رساله آمده، در رشف اللاحاظ ذیل مدخل «صفت» آمده است که بی شک نادرست است. در مورد مذکور، واژه «صفت»، اصطلاح، فرض شده و به عنوان یک مدخل، معنایی برای آن ذکر شده که با آن مطابقت ندارد. در حقیقت مفهومی که برای «صفت» ذکر شده، برای مدخلی محذوف است که کاتب از قلم انداخته است. آن واژه ممکن است یکی از واژگان فوق باشد. ذیل لغت «تندی» معنی دیگری به این صورت در رشف اللاحاظ ثبت شده است: «تندی: رد کردن اعمال عاشق را گویند به سرعت» (الفتی تبریزی، ۱۳۶۲: ۴۸). مصحح در پانویس، نسبت به اختلاف نسخه‌ها درباره‌ی مدخل «تندی» توضیح داده است: «تعریف تندی در آس و هت به مانند سیری آمده» (همان جا) ولی در باره‌ی عدم تطابق معنی با مدخل صفت که اشتباهی فاحش است، سکوت اختیار کرده و به این که در نسخه بدل آس تعریف واژه وجود ندارد، اکتفا کرده است (همان: ۴۹).

نظیر این تحریف را در این سه رساله در موارد دیگر هم می‌توان یافت. گاهی برای یک مفهوم در سه کتاب دو مدخل متفاوت آمده است که شبهه‌ی معادل بودن مدخل‌ها را ایجاد می‌کند که با توجه به شباهت کتابت این واژگان، اشتباه کاتب و تصحیح نادرست به ذهن متبادر می‌گردد:

جدول ۴: ذکر معنی یکسان برای مدخل متفاوت

رد کردن اعمال عباد را گویند	تیزی (الفتی، ۱۳۶۲: ۴۹)
	تبری (عراقی، ۱۳۳۸: ۴۱۳)
	تیزی (میرباقری، ۱۳۸۲: ۶۴)

ملاحظه می‌شود که مفهومی واحد در سه کتاب برای دو مدخل ذکر شده است و مفهوم واقعی اصطلاح، برای خواننده روشن نمی‌شود.

در رشف‌الاحاظ ذیل مدخل «دوستکامی» این تعریف آمده است: «حصول جمیع صفات کمال است با وجود قدرت بر اظهار هر صفتی» (الفتی تبریزی، ۱۳۶۲: ۴۹). در اصطلاحات منسوب به عراقی، همین معنی برای مدخل «دستگاه» ذکر شده است (عراقی، ۱۳۳۸: ۴۱۳). مشابه این مفهوم در اصطلاحات منسوب به نسفی نیز ذیل مدخل «دستگاه» آمده است (میرباقری، ۱۳۸۲: ۶۴). مصحح در نسخه بدل، واژه‌ی «دستگاه» را در اختیار داشته ولی آن را برنگزیده است. با توجه به شباهت معنی، چنانچه مصحح محترم بر این دو نسخه احاطه می‌داشت، شاید واژه‌ی دوستکامی را بر نمی‌گزید تا برای تطابق معنی بین مدخل دور از ذهن فوق و مفهوم ذکر شده در نسخه‌ی خود ناگزیر شود شواهدی دور از حوزه‌ی مفاهیم عرفانی مانند شعری از کمال‌الدین اسماعیل و متنی از کلیله دمنه ذکر کند.

در گزینش مدخل «سواری» که در فرهنگ‌های مصطلحات عرفا یافت نشده، این معنی آمده است: «احاطت و استیلای الهی را گویند» (الفتی تبریزی، ۱۳۶۲: ۵۰). در اصطلاحات منسوب به عراقی این مفهوم ذیل مدخل «تواری» (عراقی، ۱۳۳۸: ۴۱۳) و در اصطلاحات منسوب به نسفی ذیل مدخل «سودایی» (میرباقری، ۱۳۸۲: ۶۴) ذکر شده است. نظیر این موارد در سه کتاب فراوان است که به همین اندازه اکتفا می‌شود. بی‌تردید چنانچه مصحح این نسخه‌ها را نیز در کنار سایر نسخه‌ها به عنوان نسخه بدل ملاحظه می‌کرد، این شبهه‌ها به وجود نمی‌آمد.

### تفاوت های سه کتاب

غیر از شباهت‌ها و تفاوت‌هایی که در مدخل‌ها و معنی آنها در این کتاب‌ها وجود دارد، تفاوت‌هایی نیز در مقدمه هر کدام وجود دارد. با مقایسه‌ی مقدمه، تشابه و مغایرت‌هایی به شرح زیر آشکار می‌شود: برای رساله‌های منسوب به شرف‌الدین حسین و عزیز نسفی مقدمه‌ای نسبتاً مفصل نوشته شده است ولی در اصطلاحات منسوب به عراقی، مقدمه، بسیار کوتاه و تقریباً به اندازه‌ی نیم صفحه است.

شرف‌الدین در مقدمه‌ی رشف‌الاحاظ انگیزه‌ی خود را از نوشتن این فرهنگ چنین بیان کرده است: «اکثر مردم نظر بر الفاظ ظاهر می‌دارند و از معانی به سبب قصور دانش از حقایق الفاظ محروم می‌مانند. پس واجب بود این الفاظ را و اسامی را شرح کردن تا هر که شروع کند در ابیات ایشان، داند که مقصود ایشان نه این الفاظ ظاهره است بلکه داند که نظر ایشان تا کجا بوده است و از این الفاظ مختصر، معانی و حقایق بسیار خواسته‌اند» (الفتی تبریزی، ۱۳۶۲: ۳۷).

بخشی از این مقدمه در مقدمه‌ی اصطلاحات منسوب به عزیز نسفی نیز تکرار شده است (میرباقری، ۱۳۸۲: ۶۰ و ۶۱). اما مقدمه‌ی بسیار کوتاه فخرالدین عراقی با دو مقدمه‌ی فوق متفاوت است.

در خصوص کاربرد عنوان «اصطلاح» که امروزه برای نامگذاری این دسته از واژگان به کار می‌رود، باید گفت که برای نامگذاری این مجموعه در رشف‌الاحاظ از عنوان «اصطلاح» استفاده نشده و شرف‌الدین از عنوان «لفظ و اسامی» استفاده کرده است: «واجب بود این الفاظ و اسامی را شرح کردن» (الفتی تبریزی، ۱۳۶۲: ۳۷). نسفی از عنوان «الفاظ و اصطلاحات» استفاده کرده است «بنای این کتاب در جمع الفاظ و اصطلاحات مشایخ...» (میرباقری، ۱۳۸۲: ۶۱). عراقی نیز در مقدمه‌ی مختصر خود از عبارات «کلمات و مصطلحات» استفاده کرده است: «این کلمات چند است از مصطلحات مشهور که در میان طایفه‌ی متصوفه... واقع است» (عراقی، ۱۳۳۸: ۴۱۰).

در نامگذاری فصل‌ها نیز تفاوت‌هایی در این سه کتاب وجود دارد. متن، در هر سه کتاب به سه بخش تقسیم شده است که عراقی نام «مطلب» به هر بخش داده است: «مطلب اول کلماتی که اکثر آن مخصوص به محبوب است» (عراقی، ۱۳۳۸: ۴۱۰) و در



آن الفاظی نظیر میل، آرزو، دوستی، محب، محبوب، و... آمده است. در رشف‌الاحاظ عنوان بخش چنین است: «فصل اول در اسامی معشوق و آنچه متعلق به اوست» (الفتی تبریزی، ۳۶۲: ۳۹) و در رساله‌ی منسوب به نسفی عنوان بخش شبیه رشف‌الاحاظ است جز آنکه عبارت «مطلب اول» را هم دارد (میرباقری، ۱۳۸۲: ۶۱).

بخش دوم در اصطلاحات منسوب به عراقی با عنوان «مطلب دوم: اسامی که میان عاشق و معشوق مشترک است و وارد» (عراقی، ۱۳۳۸: ۴۱۵) آمده است. در رشف‌الاحاظ عنوان به صورت: «فصل دوم، در اسامی که میان عاشق و معشوق متداول است بر سبیل اشتراک» آمده است (الفتی تبریزی، ۱۳۶۲: ۵۹). و در رساله‌ی منسوب به نسفی این عنوان ذکر شده است: «مطلب دوم: در اسامی که میان عاشق و معشوق مشترک است و وارد...» (میرباقری، ۱۳۸۲: ۶۶). در بخش دوم اصطلاحاتی چون عشرت، عیش، شراب، اوباش، شمع و صبح آمده است.

بخش سوم رساله در رشف‌الاحاظ چنین است: «فصل سوم، در کلماتی چند که مخصوص به عاشق و احوال اوست...» (الفتی تبریزی، ۱۳۶۲: ۸۳). بخش سوم در رساله‌ی اصطلاحات پیوست دیوان عراقی با عنوان: «مطلب سیوم در کلماتی چند که مخصوص به عاشق و احوال اوست...» آمده است (عراقی، ۱۳۳۸: ۴۲۳). در رساله‌ی منسوب به عزیز نسفی عنوان بخش سوم چنین است: «مطلب سیوم: در کلمات چندی که مخصوص به عاشق و احوال اوست...» (میرباقری، ۱۳۸۲: ۷۴). در این بخش اصطلاحاتی چون: وصال، کنار، بوس، دوری، نزدیکی،... آمده است.

تفاوت دیگر این سه رساله در شمار مدخل‌های هر فصل است. در رشف‌الاحاظ در فصل اول ۹۸ اصطلاح، در فصل دوم ۱۴۳ اصطلاح و در فصل سوم ۸ اصطلاح شرح شده است. این تعداد در اصطلاحات عراقی اندکی متفاوت است. در مطلب اول ۹۰ اصطلاح، در مطلب دوم ۱۵۳ اصطلاح و در مطلب سوم ۵۸ اصطلاح آمده است. در رساله‌ی منسوب به نسفی در مطلب اول ۹۴ اصطلاح، در فصل دوم ۱۵۲ اصطلاح و در بخش سوم ۵۹ اصطلاح شرح شده است.

شاید در نگاه اول، مغایرت‌های موجود، مصحح و فهرست نویسان را به مابینت و تمایز سه کتاب سوق دهد؛ ولی در نگاه بعدی با توجه به شباهت‌های فراوان، خاطر وقاد

و نکته‌سنج آنان به یگانگی این سه رساله حکم خواهد کرد.

### نتیجه‌گیری

از شباهت‌های فراوانی که میان مدخل‌ها، معانی و تقسیم‌بندی مطالب کتاب وجود دارد، مشخص می‌شود که هر سه‌ی این کتاب‌ها یکی هستند. دست کم یکی نسخه‌ی اصلی و دو دیگر اقتباسی نزدیک به اصل از آن می‌باشند که توجه به آنها می‌توانست در تصحیح دقیق‌تر متن بسیار مفید واقع شود.

تفاوت‌های سه کتاب بیشتر در زمینه‌ی تحریف واژه یا آمیختگی معنی دو مدخل، یا افتادگی یک مدخل و ذکر معنی آن برای واژه‌ی دیگر، یا ترتیب آمدن واژگان و شرح آنها است. با توجه به آنکه کتاب، شامل اصطلاحات رمزی مورد استفاده‌ی شعر عاشقانه‌ی عرفاست، باید پس از رواج کامل رموز عاشقانه نزد صوفیه و احتمالاً پس از عزیز نسفی تألیف شده باشد. با این همه درباره‌ی نویسنده‌ی آن نمی‌توان حکم قطعی صادر کرد.

مصحح محترم در تعلیقات، در کنار مرآت العشاق، از منابع مفید و نزدیک به آرای مؤلف مانند گلشن راز و شرح آن، اوراد الاحباب و ... استفاده به جا کرده است. در این زمینه بهره‌گیری از فرهنگ لغاتی مانند اصطلاحات الصوفیه عبدالرزاق و تعریفات جرجانی مفیدتر از برهان قاطع و آندراج به نظر می‌رسد.

### پی‌نوشت

۱. این نسخه را آقای میرباقری فرد در مجموعه‌ی شماره ۸۰۸۱ نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان یافته است که شامل رساله‌هایی از خواجه عبدالله انصاری و عبدالرزاق کاشانی و .. است که در مجله نامه انجمن معرفی کرده است (میرباقری، ۱۳۸۲: ۵۹).

## منابع

- الفتی تبریزی، شرف‌الدین حسین (۱۳۶۲) رشف اللاحاظ فی کشف الالفاظ: فرهنگ استعاری صوفیه، تصحیح نجیب مایل هروی، تهران، نشر مولی.
- باخرزی، ابوالمفاخر یحیی (۱۳۵۸) اوراد الاحباب و فصوص الاداب، تصحیح ایرج افشار، تهران، انتشارات فرهنگ ایران زمین.
- عراقی، فخرالدین (۱۳۳۸) اصطلاحات: ضمیمه دیوان، تصحیح سعید نفیسی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات کتابخانه سنایی.
- میر باقری فرد، سید علی اصغر (۱۳۸۲) «رساله‌ای در شرح لغات و اصطلاحات منسوب به عزیز نسفی»، مجله نامه انجمن، سال سوم، شماره دوم.
- هجویری، علی بن عثمان (۱۳۸۳) کشف المحجوب، تصحیح محمود عابدی، تهران، سروش.

